

فصلنامه علمی _ پژوهشی پژوهشنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۵، ص ۵۶-۳۳

سبک‌شناسی دیوان مهری عرب و معرفی نسخ خطی این دیوان^۱

دکتر محمد حکیم‌آذر^۲

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

بهمن علامی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

چکیده

از جمله شاعران توانمند سده یازدهم هجری که علیرغم خلاقیت‌ها و ذوق شعری‌اش تقریباً گمنام مانده، سید علی‌رضا پسر سید مساعد جبل عاملی متخلص به مهری و سید و مشهور به مهری عرب (تولد ۱۰۵۰هـ.ق. - وفات؟) است. نگارنده در این تحقیق بر آن است تا برای نخستین بار به معرفی نسخ خطی دیوان این شاعر و بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های سبکی او بپردازد. بررسی‌های به عمل آمده حاکی از آن است که مهری عرب شاعری تواناست که شعرش سرشار از انواع صور خیال و مضمون‌های بکر است. ترکیب‌سازی‌های فراوان و توجه به لغات و مضامین عامیانه که در دیگر آثار سبک هندی نیز

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۹

^۱ تاریخ وصول: ۹۵/۳/۶

^۲ lit@iaushk.ac.ir

^۳ bahmanallami65@gmail.com

دیده می‌شود، در این دیوان مشهود است. تبحر مه‌ری در کاربرد کلمات فارسی با اصول و قواعد عربی و معرب کردن آن‌هاست. شعر مه‌ری عرب نه آن سادگی و صراحت و جلای لفظ صائب را دارد و نه آن پیچیدگی و ابهام شعر بیدل را بلکه شعر او چیزی میانه این دو است.

واژه‌های کلیدی

مه‌ری عرب، دیوان شعر، نسخه خطی، سبک‌شناسی، سبک هندی

مقدمه

یکی از راه‌های شناخت پیشینه فرهنگی و وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آن‌ها است. هر یک از دست‌نوشته‌های پیشینیان در حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ ما به شمار می‌آید. با تصحیح و احیای آثار گذشتگان و بازگرداندن آثاری که به صورت نسخه خطی در کنج کتابخانه‌ها مه‌جور مانده‌اند - به نحوی که بر پایه اصول و موازین نقد و تصحیح استوار باشد - می‌توان این زنجیره را کامل‌تر کرد و به شناختی دقیق و قضاوتی صحیح‌تر درباره پیشینه فرهنگ و ادب ایران رسید. این ضرورت در حوزه زبان و ادبیات بیشتر احساس می‌شود زیرا هر متنی گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطور زبان و ادبیات ما را نشان می‌دهد.

از آن‌جا که شعر دوره صفویه دامنه گسترده جغرافیایی که گستره‌ای از خاک عثمانی در غرب تا شبه قاره هند در شرق ایران و نیز روزگاری تقریباً دویست و پنجاه ساله را در بر می‌گیرد، بررسی و تحقیق در این زمینه که بخشی از هویت ملی و فرهنگی ماست، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در شعر این دوره که بعدها به سبک هندی یا اصفهانی معروف شد، شاهد یک تحول کلی در حوزه زبان، اندیشه و محتوا هستیم.

به دلیل این‌که تاکنون کلیات دیوان اشعار مه‌ری عرب به صورت نسخه خطی باقی است و

به دور از دسترس پژوهشگران و ادب‌دوستان قرار دارد، پس تصحیح این دیوان، چاپ آن و معرفی مهری عرب و نسخه‌های خطی وی و همچنین بررسی برجستگی‌های شعری او از ضرورت‌های پژوهش است.

در این پژوهش از شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای استفاده شده است. به این ترتیب که پس از تهیه نسخ خطی و بررسی و مقابله آن‌ها، موارد برجسته شعری مهری عرب که منجر به تشخیص سبکی شده، تعیین، دسته‌بندی و تحلیل گردیده است.

پیشینه تحقیق

به جز مطالب مختصری که درباره احوال این شاعر در چند تذکره دیده می‌شود، با دو اثر دیگر در این زمینه روبرو می‌شویم:

۱. حبیبی نژاد، ذبیح‌الله. (۱۳۸۰). تصحیح آئینه بدن‌نما (سراپا). گنجینه بهارستان؛ مجموعه ۱۶ رساله در ادبیات فارسی. به کوشش بهروز ایمانی. (ص.ص. ۳۳۸-۳۲۶). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

تصحیح فوق بر اساس نسخه‌های خطی زیر انجام شده است:

الف) نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره: ۳۲۱۷

ب) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره: ۱۴۱۴۸

ج) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره: ۱۴۱۷۸

د) نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره: ۳۶۸۹

از آن‌جا که این تصحیح بر اساس چهار نسخه از مجموع نسخ خطی این منظومه انجام شده است بنابراین نمی‌تواند تصحیح منقح و بدون اشکالی باشد.

۲. طارمی، اصغر. (۱۳۸۵). «تصحیح غزلیات مهری عرب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

این پایان‌نامه رونویسی از غزلیات نسخه خطی شماره ۳۲۱۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و هیچ مقابله‌ای با نسخ خطی دیگر در آن صورت نگرفته است.

۳. شفیع‌یون، سعید. (۱۳۸۹). «سراپا: یکی از انواع ادبی غریب فارسی». مجله علمی-پژوهشی جستارهای ادبی، شماره ۱۷۰. ص.ص. ۱۷۴-۱۴۷.

نویسنده در این مقاله به معرفی مختصر سراپاها و تحلیل ساختار ادبی و وجوه بلاغی این نوع ادبی پرداخته است و اشاره‌ای هم به سراپای مهری عرب کرده است.

معرفی نسخه‌های خطی دیوان مهری عرب

۱. نسخه خطی دیوان مهری عرب، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۳۲۱۷:

این نسخه کامل‌ترین نسخه به‌جا مانده از دیوان مهری عرب است که غزلیات، قصاید، مثنوی‌ها و رباعیات وی را شامل می‌شود. نسخه به خط خوش نستعلیق در ۳۷۶ صفحه، روز آدینه ۱۲ شعبان ۱۱۱۵ هجری، توسط کاتبی به نام اسد بن حسن بیگ برای کتابخانه میرزا محمدباقر تحریر شده است. دیوان با مدح پیامبر اکرم (ص) و با این بیت شروع می‌شود:

«ای سوده سر به چرخ مقرنس رواق را جفت هلال ساخته ابروی طاق را»
(مهری عرب، ۱۱۱۵ ه.ق. : ۱)

انجامه دیوان چنین است:

«قدم هذه النسخة الشريفة لحضرت [...] محمدباقر - مزارد الله عمره و دولته و اقباله بمحمد و آله اجمعين - في يوم اثنى عشر شهر الشعبان سنة ۱۱۱۵. اقل الخليفة اسد بن حسن بيك تربتي» (همان: ۳۷۶).

در ظهر نسخه چنین آمده است: «سید علی بن سید مساعد جبل عاملی متخلص به مهری... دیوانش عزیز موجود و کمیاب است [...]» (همان، پشت جلد).

از دیگر مشخصات نسخه مذکور، رکابه، عنوان شنگرف، کاغذ سپاهانی، جلد تیماج

مشکی صربی زرکوب مقوایی درون سرخ با گل زرین است.

۲. نسخه خطی دیوان مهری عرب، موزه ملی کراچی در پاکستان، شماره ۳ق ف ۲۳۸: این نسخه خطی در ۱۱۴ صفحه به خط خوش نستعلیق، توسط کاتبی به نام ابن میر محمد در رجب ۱۱۳۵ نوشته شده است و تعدادی از قصاید شاعر را شامل نمی‌شود. دیوان با این بیت شروع می‌شود:

«به نامت انجمن گر سازم این جمع پریشان را به تاریک نفس شیرازه می‌بندم دو دیوان را»

(مهری عرب، ۱۱۳۵هـ.ق. : ۶)

انجامه نسخه چنین است:

«کتبه الحقیق الفقیق الی رحمه الباری ابن امیر محمد [...] شهر رجب سنه ۱۱۳۵» (همان: ۱۱۳).

در صفحه بعد از انجامه، قطعه‌ای در رثای باقرالعلوم آمده است که مطلع آن چنین است:

«صد حیف کز جفای سپهر الم فزا خورشید آسمان فضیلت شد از جهان»

(همان: ۱۱۴)

در ظاهر نسخه، دو غزل از حافظ با مطلع «کسی مباد چو من خسته مبتلای فراق» و «گر به لطف بخوانی مزید الطاف است»، همچنین مُمَسِّسِ مَلَأَ طَغْرَایِ مَشْهَدِیْ با مطلع «حکم از زبان خالق اکبر کند علی» آمده است (ر.ک. همان: ۴ و ۵). رکابه و جدول‌های سرخ رنگ از دیگر ویژگی‌های این نسخه خطی است.

۳. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره

۱۴۱۴۸

۴. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره

۱۴۰۵۳/۷

۵. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره

۹۴۰۷/۵

۶. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره ۱۱۴۶ اس س
۷. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره ۱۳۴۶۳/۳۵
۸. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره ۹۴۲۵/۱۸
۹. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جنگ شماره ۱۴۱۷۸/۹
۱۰. نسخه خطی قصیده مسدس، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۳۴۴۳/۵۷
- آغاز: سوختم ز عشق تو ای دلربا برو آبی زدم ز آتش دل در هوا برو
۱۱. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۳۳۲۱/۳۹
- آغاز نسخه چنین است: برد ز من ماست به یغما همه اقشمه و امتعه هر دو جهان اعنی
من الرأس حریر الخرد
۱۲. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۴۱۸۳/۳۶
- که به خط شکسته نستعلیق در قرن ۱۲ نگاشته شده است.
۱۳. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۴۱۴۸/۱۶
۱۴. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۳۴۴۳/۲۷
- آغاز نسخه چنین است: برد ز من ماست به یغما همه اقشمه و امتعه هر دو جهان اعنی
من الرأس حریر الخرد
۱۵. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۳۴۶۳/۱۲
- آغاز نسخه چنین است: برد ز من ماست به یغما همه اقشمه و امتعه هر دو جهان اعنی

من الرأس حریر الخرد

۱۶. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۳۳۲۱/۴۰.
آغاز نسخه چنین است: هر بحر طویل که به جهت نظری بیک نوشته‌اند بر دمن ماست
بیغما همه امتعه و اقمشه هر دو جهان- یعنی من الرأس حریر الخرد و بادله الهوش و من
السشم سنه مخمل خواب...
۱۷. نسخه خطی بحر طویل، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۳۰۴۰ که در
صفحات ۱۷۹-۱۸۱ ثبت شده است.

۱۸. نسخه خطی غزلی از مه‌ری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره
۱۴۱۹۰/۴۲

۱۹. نسخه خطی مثنوی مه‌ری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی: جنگ شماره ۱۴۱۴۸/۱۶
۲۰. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا) و ملمعات شاعر، کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران: این نسخه که ناقص است و تمام ابیات را ندارد، در حواشی یک مجموعه خطی
(ص.ص. ۱۷-۱۵ و ص.ص. ۶۷-۵۵) که به شماره ۳۶۸۹ در کتابخانه مذکور نگهداری
می‌شود، کتابت شده است. کاتبی به نام کریم افشار خطی این نسخه را در سده ۱۱ هجری به
خط نستعلیق به رشته تحریر درآورده است.

۲۱. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه تهران: این نسخه در جنگ
اشعار به شماره ۲۹۵۰ به قلم صدرالدین محمد گنابادی در ص.ص. ۶۶-۶۴ ثبت شده است.

۲۲. نسخه خطی قصیده الهایه، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: این نسخه در صفحه ۶۴
از مجموعه‌ای به شماره ۴۲۲۰ ثبت شده است.

آغاز: للسید علی المه‌ری العاملی: لی دلبر آب الحیوه خرام سر و روانه / نار الخلیل عذاره
و الخط بوی دخانه...

انجام: اقسمت بالماء الذی هو یرتو من مه‌ره/ و بدینی و ایمانی دگر یعنی به و بجانہ...

۲۳. نسخه خطی منتخب اشعار مه‌ری، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد: در این نسخه گزیده اشعار شاعر در ضمن یک مجموعه خطی به شماره ۷۵ فرخ (ص.ص. ۵۸۰ - ۵۶۸) آمده‌است. نسخه به خط نستعلیق خوش است و کاتب و تاریخ کتابت آن مشخص نیست.
۲۴. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه آستان قدس، مشهد: شماره ۴۳۴۱۰ م، ضمیمه ۴۳۴۰۹. این نسخه که در ضمن یک مجموعه خطی آمده‌است، در قرن دوازدهم و به خط نستعلیق تحریر شده‌است.
۲۵. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه گنج‌بخش اسلام‌آباد در پاکستان: این نسخه در ضمن جنگ اشعاری از ۷۷ شاعر به خامه سیدحسین موسوی به شماره ۱۰۸۴۹ مضبوط است. این مجموعه در ۵۰۰ صفحه و در سال ۱۲۳۷ هجری تحریر شده‌است.
۲۶. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، موزه ملی کراچی در پاکستان: این نسخه در ضمن یک جنگ خطی به شماره N.M.1952-202/18-8 در ص.ص. ۱۵۴-۱۵۱ ثبت شده‌است.
۲۷. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، موزه ملی کراچی در پاکستان: این نسخه در ضمن یک جنگ خطی به شماره N.M.1963-250/4 در صفحه ۱۴ ثبت شده‌است.
۲۸. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه و موزه ملی ملک: جنگ شماره ۵۱۱۴
۲۹. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه و موزه ملی ملک: جنگ شماره ۴۶۷۶
۳۰. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه و موزه ملی ملک: جنگ شماره ۴۹۳۲
۳۱. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه و موزه ملی ملک: جنگ شماره ۴۸۹۹

۳۲. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، کتابخانه و موزه ملی ملک: جنگ شماره

۴۷۱۹

۳۳. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، کتابخانه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: شماره گ ۵۴ پ - ۵۷ پ که بین سال‌های ۱۱۷۵ تا ۱۱۹۳ هجری در قندهار و به خط نستعلیق آمیخته به شکسته تحریر شده‌است.

۳۴. نسخه خطی گزیده اشعار مهری عرب، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: که ضمن مجموعه‌ای به شماره ۱۰۷۸۹۷۷ (ص.ص. ۱۵۹-۱۵۰) آمده‌است. این مجموعه در قرن ۱۳ تألیف شده‌است.

۳۵. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بیاض شماره ۳۰۶۱-۲۵۸۱/د

۳۶. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: جنگ شماره ۱۲۳۴۸۹۶، مجموعه‌ای است به شیوه کشکول، تحریر و تألیف محمد محسن کاشانی از نوادگان فیض کاشانی در نیمه اول قرن ۱۳ هجری.

۳۷. نسخه خطی مثنوی سرپا، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): که در ضمن جنگی به خامه محمود ابن ابراهیم بیک، بین سال‌های ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ هجری (ص.ص. ۱۸۰-۱۷۲) تحریر شده‌است. نسخه برای عبدالکریم سلطان بن محمد زمان سلطان متخلص به کریمی، حکمران بانه گردآوری شده‌است.

۳۸. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۹۳۱۰۸

۳۹. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۹۶۶۴۲

۴۰. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سرپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۱۰۴۷۰۰

۴۱. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۱۰۴۷۰۱

۴۲. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۱۰۴۷۰۷

۴۳. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۸۵۲۱۷

۴۴. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۹۳۱۰۸

۴۵. نسخه خطی مثنوی آینه بدن‌نما (سراپا)، کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع): جنگ

شماره ۹۴۲۹۶

نسخه‌ای در کتابخانه گنج‌بخش اسلام‌آباد در پاکستان به شماره ۲۶۶ به اشتباه به نام مثنوی «آینه بدن‌نما (سراپا)» ثبت شده است که در واقع چند برگ به نام «جنبش‌نامه» یا «اختلاج‌نامه»، درباره ویژگی جنبش و پرش هر یک از اعضای تن آدمی از سر تا به پا است.

معرفی مه‌ری عرب و نگاهی مختصر به زندگی وی

سید علی‌رضا بن سید مساعد جبل عاملی متخلص به مه‌ری و گاهی سید و مشهور به مه‌ری عرب از شاعران توانمند قرن یازدهم است. مه‌ری «در اواخر صفویه به اصفهان می‌زیست، اندکی زبان فارسی آموخت. اشعار مخلوط از کلمات عربی و فارسی می‌گفت. بعضی از کلمات فارسی را با اصول و قواعد عربی به کار برده و معرب می‌نمود، این طرز اختراعی شعر او پسندیده افتاد و جمعی همان طرز را تعقیب می‌کردند و به سیاق اشعار او شعر می‌گفتند و بحر طویل‌ها می‌پرداختند» (مدرس، بی‌تا: ۴۱/۶ و ۴۲)

در هیچ تذکره‌ای به تاریخ تولد و وفات مهری اشاره‌ای نشده‌است و تنها منبع و مأخذ برای اطلاع از احوالش دیوان اشعار اوست. مهری در سال ۱۰۵۰ هجری در جبل عامل لبنان به دنیا آمد. در دوران خردسالی و به قول خودش در حالی که دو سه منزل بیشتر از راه زندگی طی نکرده بود، به دلایلی نامعلوم مجبور شد همراه پدر به ایران فرار کند و از حوادث روزگار به دربار صفوی پناه آورد. وی پس از ورود به ایران در اصفهان ساکن شد و چند صباحی با فراغ بال و شادی زیست که با رسیدن به سن بلوغ پای‌بند عیال شد. ازدواج او را از عیش باز داشت و در پسری وی را پدر کرد. مهری با تمام مشکلاتی که داشت در تحصیل کمال کوشید و اوقات خود را صرف کسب علوم و مشق خطوط کرد تا این‌که گردون‌دون، محنتی بر وی وارد کرد و مذاق عیش او را با رحلت پدرش تلخ ساخت و داغ شش فرزند او را در ششدر بلا افکند و غم، روزی دانش‌اندوزی‌اش را به غم‌اندوزی بدل کرد و عافیت را از دیدگانش دور ساخت. پس از مدتی سرپای وجود شاعر به امراض مبتلا گشت و از این میان نصیب دیدگان وی رمدمی بود که مدت‌ها بر چشم شاعر پای فشرد و چشمان وی را پژمرده و ناتوان کرد، به گونه‌ای که از پرداختن به کارهای شخص خود عاجز شد. بیکاری مشکل دیگری بود که به ملالت او می‌افزود و خاطرش را آزرد می‌کرد. البته تاریخ دقیق این حوادث بر ما معلوم نیست ولی احتمالاً این حوادث در ایام جوانی شاعر اتفاق افتاده‌است و گویا نصرآبادی از شرایط زندگی و درد و رنج‌های او مطلع بوده‌است که او را جوان نامراد درویش می‌داند و می‌نویسد: «خلف سید مساعد جبل عاملی از خاک پاک جبل عامل است. والدش در عباس‌آباد اصفهان فوت شد. مشارالیه جوان نامراد درویشی است در کمال صلاح. فی‌الجمله تحصیلی کرده و در تربیت نظم طبعش لطفی دارد چنان‌که عربی و فارسی چند بیت گفته [...] و سید تخلص دارد، گاهی مهری هم می‌کند» (نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۵۶۸/۱).

مهری در غزلیاتی که به شیوه عربی و فارسی یعنی تعریب سروده‌است، تخلص سید را به

کار می‌برد و در تمامی اشعاری که به فارسی سروده تخلص وی مهری است. دلیل این تخلص را شاعر بیان کرده‌است:

«ز بس مهر تو ورزیده‌ام تخلص من شدست مهری و مهرم چنان که می‌دانی»

(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق. : ۷)

«مهریم خوانند از بس مهر می‌ورزم تو را نیست نام شاعری چون سعدیم یا انوری»

(همان: ۱۰)

و در ترکیب‌بند مستزادی که در مدح شاه سلیمان سروده‌است، علت تخلص خود را مهر نکویان می‌داند:

«شاهانم آن خسته بیداد سپهری کز مهر نکویان خوانند مرا اهل هنر سید مهری مداح تو از جان»

(همان: ۳۷)

به نظر می‌رسد مهری در طول اقامت خود در اصفهان سفرهایی نیز داشته‌است. در قصیده‌ای که در مدح امام رضا (ع) سروده‌است به اقامت خود در مشهد که در زمستان اتفاق افتاده‌است، اشاره می‌کند:

«مکن ز سردی دی شکوه این‌قدر مهری که گفته‌اند به مقدار شدت است رخا

مجاوری تو در این جا چه مانده‌ای عاجز بیر پناه به خورشید آسمان هدی

شه سریر امامت خدیو خطه طوس امام ثامن ضامن علی بن موسی»

(همان: ۲۱)

اگرچه مهری اعتقاد دارد که «زر می‌طلبی به هند باید رفتن» (همان: ۳۵۱) ولی خودش بر خلاف بسیاری از شعرای دوره صفوی هرگز به هند نرفت.

مذهب شاعر، چون اکثر شعرای سبک هندی، شیعه اثناعشری است و به ائمه اطهار ارادت می‌ورزد و قصاید خود را در مدح ایشان سروده‌است. مهری نسب خود را از طریق نه نسل به امام زین‌العابدین (ع) می‌رساند:

نطفه‌ام را قدر به حکم قضا پشت بر پشت ز آدم و حوا

می‌رسانید بهر حفظ نژاد تا امام چهارمین سجاد
هم از او تا بسی تن از نزدیکان همه عالی تبار فرزندان
پسدم بود زاده نهمین که روانش به لطف باد قرین
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق. : ۵۰)

از مشخصات اخلاقی مهری خاکساری و پرهیزکاری اوست. او پای‌بند اصول و احکام دینی است. «در کمال صلاح و پرهیزکاری می‌زیسته» (واله داغستانی، ۱۳۸۳: ۲۱۸۷/۴) و این از اشعاری که در مدح ائمه سروده‌است، پیداست.

«دست عصیان با وجود زور و بازوی شهاب کوتاه‌ست از دامن پرهیزگاری‌های من»
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق. : ۱۲)

تاریخ وفات مهری مشخص نیست. در قصیده‌ای اشاره به چهل سالگی خود می‌کند:
«جوش زد یک اربعین در شیشه‌ام صهای عمر هستی آخر گشت و کس نشنید هایهای من»
(همان)

در یک رباعی به زنده بودن شاعر تا شصت سالگی پی می‌بریم:

«در عهد حسین خدیو جمشید غلام چون یافت ضریح عسگرین اتمام
مهری پی ضبط سال تاریخش آن را تو طلب کن از «ضریح دو امام»
(همان: ۳۵۶)

«ضریح دو امام» بر اساس حروف ابجد ۱۱۱۰ می‌شود که زنده بودن شاعر را تا این تاریخ یعنی شصت سالگی ثابت می‌کند.

مهری و ملک‌الشعرایی

«در زمان خاقان مالک رقاب به منصب ملک‌الشعرایی سرافراز گردید» (واله داغستانی، ۱۳۸۳: ۲۱۸۷/۴). البته مشخص نیست منظور صاحب تذکره ریاض‌الشعرا از خاقان مالک رقاب

کدام‌یک از سلاطین صفوی است. تذکره مخزن الغرائب این نکته را تصریح می‌کند و می‌نویسد: «در زمان سلطان حسین صفوی به منصب ملک‌الشعرایی سرافراز گردید» (هاشمی سندیلوی، ۱۳۷۲: ۲۵۰/۵).

در تذکره روز روشن نیز به ملک‌الشعرایی مه‌ری در دربار سلطان حسین اشاره می‌شود: «از سخنوران زبردست بود و به منادمت سلطان حسین صفوی عزّ اختصاص داشته و خطاب ملک‌الشعرایی یافته» (صبا، ۱۳۴۳: ۷۸۳).

در مقدمه امیری فیروزکوهی بر دیوان صائب نیز به ملک‌الشعرایی وی در دربار سلطان حسین اشاره شده است (ر.ک. صائب تبریزی، ۱۳۳۳: ۹) اما در دیوان مه‌ری هیچ اشاره‌ای به ملک‌الشعرایی وی نشده است و هیچ شعری در مدح سلطان حسین وجود ندارد. تنها در ضمن یک مثنوی و یک ترکیب‌بند مستزاد شاعر به مدح شاه سلیمان صفوی پرداخته است و امیدوار رسیدن به خدمت شاه و دریافت الطاف شاهی است (ر.ک. مه‌ری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق. : ۳۸).

مه‌ری اشعاری دارد که نشان می‌دهد وی در درگاه سلطان بوده است، البته دقیقاً مشخص نیست که در دربار کدام سلطان صفوی:

خوانند کمینه را ز ارباب شعور	بر درگهت ای خدیو آصف دستور
چون ماه ز آفتاب می‌گیرم نور	باشد اگرم ضمیر روشن چه عجب

(همان: ۳۵۴)

دیوان

دیوان مه‌ری عرب حدود پنج هزار و ششصد بیت است که در دو بخش اشعار فارسی و اشعار معرب سروده شده است. این دیوان قصاید، غزلیات، مثنوی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند مستزاد، رباعیات، مخمس و مسدس شاعر را شامل می‌شود.

دیوان مه‌ری ۴۸۶ غزل دارد که حدوداً چهار هزار بیت را در بر می‌گیرد و در مقایسه با سایر اشعار وی رقم بالایی است.

مهری شش قصیده دارد. قصیده اول در مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص)، قصیده دوم در مدح امام علی (ع) و چهار قصیده دیگر در مدح امام رضا (ع) است که در ضمن قصیده پنجم به ثنای سایر ائمه نیز پرداخته‌است.

در این دیوان با دو مثنوی روبرو می‌شویم که مثنوی اول در ۲۸۰ بیت در حمد و ثنای پروردگار، ستایش پیامبر، مدح حضرت علی، ستایش شاه سلیمان صفوی، وصف ایران و بیان احوال شاعر سروده شده‌است. مثنوی دوم آینه بدن‌نمای سرپای معشوق است که در ۱۲۶ بیت سروده شده‌است. «شعرای پایتخت سلطانی بدو حسد بردند، سلطان برین معنی مطلع شد. برای افحام خصام روزی سر دیوان عام به مهری امتحاناً حکم داد تا بدیهه چیزی موزون نماید وی در چند ساعت مثنوی آینه بدن‌نمای سرپای محبوب در سلک نظم کشید و به نظر شاهی گذرانید» (صبا، ۱۳۴۳: ۷۸۳). کثرت نسخ خطی این مثنوی در ضمن جنگ‌ها و مجموعه‌ها نشان می‌دهد از همان عصر شاعر به آینه بدن‌نما توجه می‌شده‌است.

مهری منظومه‌ای به نام «مجمع الشعرا» یا به قول خود شاعر «سفینه عجمی» داشته که هنگام جلوس شاه سلیمان صفوی به تخت سلطنت یعنی سال ۱۰۷۷ هجری تدوین کرده بود. از این مجموعه اطلاعی در دست نیست.

از جلوس شه فرشته جنود	که به «ظل القوی» مورخ بود
در تمام ممالک ایران	هر سخنور که داشت نام و نشان
ذکر او زیب فکر خود کردم	از تخلص به نظم آوردم
مطلعی هم رقم شد از ایشان	که بود حرز جان و ورد زبان
کردمش نام مجمع الشعرا	که بماند به یادگاری ما
	(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۵۲)

قسمت دوم دیوان که شامل اشعار معرب است بالغ بر دویست بیت را شامل می‌شود. اشعار فارسی - عربی مهری بدین گونه است که وی به طریق هزل و شوخی کلمات فارسی

را با کلمات عربی آمیخته‌است و بعضی از کلمات فارسی را با اصول و قواعد عربی به کار برده‌است:

«الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها
خمار الباده الدوشینه گشتی اهل محفل‌ها
همه فی الشرت و الخمیازه مثل الکوکناریون
دهن وازی و ششمان بر همی للموت مایله‌ها»
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۳۶۸)

مهری «به عربی و فارسی تعریب طرح شاعری ریخت و شعرش پسندیده افتاد و جمعی بدو اقتفا کردند و بدین سیاق نظم‌ها و بحر طویل‌ها پرداختند» (هدایت، ۱۳۸۲: ۱۱۹/۲). در این قسمت با قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، مخمس، بحر طویل و ساقی‌نامه روبرو می‌شویم. در ساقی‌نامه مهری، نام بسیاری از محله‌های اصفهان آمده‌است. مهری گاهی نیز کلمات ترکی به کار برده‌است:

«گفتمش جان می‌دهد با قیمت یک بوسه گفت
گیت جهنم یخ یمه ما بوسه را بفروش نیست»
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۳۷۰)

سبک‌شناسی دیوان مهری عرب

بر اساس مطالعه دیوان این شاعر، به موارد زیر در خصوص زندگی، فکر و اندیشه او می‌توان دست یافت. مهری اگرچه از ادبیات گذشته ایران بی‌تأثیر نیست اما شاعر زمانه خود است و شعرش اکثر مختصات سبک هندی را دارد. در این بخش سبک این دیوان در سه سطح فکری، زبانی و بلاغی بررسی و تحلیل می‌شود و برای نشان دادن فضای کلی این مجموعه از منظر مؤلفه‌های سبکی، برای هر ویژگی نمونه‌های برجسته ارائه می‌گردد.

۱. سطح فکری:

دیوان مهری بر خلاف دیگر دیوان‌ها با تحمیدیه آغاز نمی‌شود و شاعر با نعت پیامبر سخن خود را آغاز می‌کند و این خود از شاخصه‌های دیوان مهری عرب است.

مدح و ستایش، پند و اندرز، زهد ستیزی، عشق و عاشقی و توجه به امور جزئی از موضوعات شعری مهری است. اکنون به توضیحی مختصر درباره مضامین شعری مهری می‌پردازیم:

۱-۱. ارتباط با معشوق:

معشوق در شعر مهری بیشتر معشوقی است زمینی و گاه مشخصاً معشوق مذکر است:
تا غالیه سا گشت ز خط پشت لب او شد جفت مه یک شبه آن طاق دو ابرو
(همان: ۳۱۷)

گاه نیز مهری از عشوه معشوق به ستوه می‌آید:

می‌توانیم ز دل بلکه ز دلدار گذشت نیست این هم عجب از همت مردانه ما
(همان: ۸۲)

۲-۱. شکوائیه:

مهری به دلیل ترک لبنان و سفر به ایران با زندگی پر ملالی دست و پنجه نرم کرده‌است؛ پای‌بند عیال شدن در اعوان جوانی، پدر شدن در پسری، درد چشم، داغ شش فرزند، مرگ پدر، فقر و بیکاری. پس بالطبع از مضامین سروده‌هایش شکایت از بخت نامساعد خود، شکایت از اندوه و دردی که روزگار برایش به ارمغان آورده‌است و شکایت از فلک است که با او سر جنگ داشته. بافت معنایی چنین شکوه سروده‌ها، فقط آه و ناله نیست بلکه هدف اصلی شاعر برانگیختن عواطف و احساسات مخاطبان و همگام ساختن آنان با خود است:

ناگهان گردش سپهر کبود روی بخت مرا سیاه نمود
(همان: ۵۳)

باز گردون ز تنگ چشمی‌ها بر من آن دم زیاد دید آن‌ها
دگرم محتسی ز نو انگیخت زهر غم در مذاق عیشم ریخت
(همان)

۳-۱. طبیعت‌گرایی:

طبیعت‌گرایی و الهام از محیط از مؤلفه‌های اصلی سبک هندی است. شاعران این سبک «در این تصویرگری به همان شیوه سخن می‌گویند که شاعران دوره رمانتیسم در ادب اروپایی، یعنی عالم و همه چیز اطراف را با احساسی که خود از آن‌ها دارند، می‌نگرند و درک می‌کنند نه چنان که هستند» (صفا، ۱۳۷۲: ۵/۵۶۲). مه‌ری نیز از پدیده‌های طبیعت برای مضمون‌آفرینی استفاده می‌کند:

وسعت مشرب ندارد محرم و بیگانه‌ای
خانهٔ صحرائشینان را در و دیوار نیست
(مه‌ری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق. : ۱۲۳)

ز هستی‌ام اثری در جهان نمی‌ماند
اگر هوای تو از سر بدر کنم چو حباب
(همان: ۱۱۲)

۴-۱. مدح و ستایش:

موضوع قصاید مه‌ری مدح و ستایش پیامبر اکرم (ص)، مدح امام علی (ع)، مدح امام رضا (ع) است که در ضمن یک قصیده به ثنای سایر ائمه نیز پرداخته است. هم‌چنین یکی از دو مثنوی مه‌ری در حمد و ثنای پروردگار، ستایش پیامبر، مدح حضرت علی، ستایش شاه سلیمان صفوی سروده شده است.

۲. سطح زبانی:

۱-۲. ردیف:

شاخصهٔ سبکی مه‌ری در استفاده از ردیف، ردیف‌های ترکیبی و چند کلمه‌ای است: این چنین باشد، به سینه می‌شکند، شیشه شیشهٔ شراب است، افتد به خاک، اما هنوز که هم‌چنین، خنجرش، گردآوری که ندارم، ز سنگ، علی‌الخصوص، به سینه می‌شکند.

مجو نشاط طرب جز از ترانهٔ مه‌ری
که نالهٔ دل غم پیشه شیشه شیشه شرابست
(همان: ۱۶۱)

۲-۲. قافیه:

مهری از معنی قافیه‌ها برای مضمون‌سازی استفاده می‌کند و برای یک واژه چندین مضمون را به یاد می‌آورد. به همین خاطر تکرار قافیه در غزلیات وی بسیار معمول است و گاه در یک غزل کلمه‌ای که قافیه قرار گرفته‌است، چندین بار تکرار می‌شود. این ویژگی قافیه در اشعار مهری عیب نیست بلکه شاعران این سبک «آن را نوعی هنرنمایی نیز به حساب می‌آوردند [...] در نظر اینان مبنای استتیک قافیه بیش از آن که در جنبه موسیقایی آن باشد در ابزار تداعی بودن آن است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۷۱).

۲-۳. لغات و اصطلاحات عامیانه:

مشخصه آشکار سبک مهری استفاده از لغات و ترکیبات عامیانه است. «روی هم رفته دامنه واژگان شعر سبک هندی در مقایسه با ادوار پیشین و پسین بسیار گسترده است. واژگانی که در ادوار پیشین و پسین قابلیت و شایستگی ورود به حوزه شعر را نداشتند، حال مجال حضور در آن را یافتند» (موریس، ۱۳۸۰: ۴۲۹).

غلط نکنم، سیه مست، خواب مخمل، اختلاط، نازبالش، سرگوشی و بسیاری از لغات کوچک و بازار که در اشعار مهری فراوان دیده می‌شود:

وهم ز پیش قدم طی نکرده می‌خیزد اگر غلط نکنم کوی یار نزدیک است

(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۱۳۹)

سر به بالین فراغت نهد شهرت خصم نازبالش نشود تا پر عنقایی ما

(همان: ۸۰)

۲-۴. اشعار فارسی - عربی:

اشعار معرب مهری بدین گونه است که وی به طریق هزل و شوخی کلمات فارسی را با کلمات عربی آمیخته‌است و بعضی از کلمات فارسی را با اصول و قواعد عربی به کار برده‌است:

«الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها
همه فی الشرت و الخمیازه مثل الکوکناریون
خمار الباده الدوشینه گشتی اهل محفل‌ها
دهن وازی و ششان بر همی للموت مایله‌ها»
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۳۶۸)

۳. سطح بلاغی:

۳-۱. تشبیه:

کمتر بیتی در دیوان مهری می‌توان یافت که در آن تشبیه به کار نرفته باشد. در اکثر تشبیهات اشعار مهری مشبه‌به محسوس است:

از می افروزد اگر ماه رخس مشعله را
تنگ بر دیده خورشید کن حوصله را
(همان: ۳۷)

آهم نگشته رهسپر آسمان هنوز
ناسفته است نه گهر آسمان هنوز
بودم به زیر تیغ که از اختران نداشت
این میخ‌های زر سپر آسمان هنوز
(همان: ۲۵۷)

سوز آهم می‌فزاید گرمی بازار شمع
گریه‌ام گل می‌زند بر گوشه دستار شمع
خواب را در سوختن‌ها دستگاهی داده‌ام
می‌توان مخمل به چشم بافتن از تار شمع
(همان: ۲۷۱)

۳-۲. ایهام:

یکی از مختصات اصلی شعر مهری استفاده از ایهام یعنی دو معنایی بودن کلمات است:
هما را می‌کند خاطر پریشان
خیال استخوان شانه ما
(همان: ۱۰۶)

مهارت مهری در ساخت ایهام با استفاده از دو معنایی بودن افعال است. «در شعر سبک هندی ایهام‌ها بیشتر بر اساس دو معنایی بودن فعل‌ها و ترکیب‌های فعلی است. شیوع این‌گونه خاص از ایهام نتیجه توجه کسانی است که فارسی، زبان اصلی آن‌ها نبود و در ابعاد

کلمه بدین گونه خیره می‌شدند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۷۰).

کام دل نتوان دگر زان شوخ بی‌پروا گرفت آن‌قدر خود را به او دادم که او خود را گرفت

(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ. ق.: ۱۴۸)

۳-۳. اسلوب معادله:

از ویژگی‌های مهم سبکی در شعر مهری که برای تصویرسازی از آن استفاده شده، اسلوب معادله است. اسلوب معادله آن است که شاعر در یک مصرع حکم و مطلبی را در هر باب و موضوع که بخواهد اظهار می‌کند و مصرع دیگری می‌آورد که به منزله استدلال برای اثبات حکم آن به شمار می‌رود:

مشکل که تو را دور ز اغیار توان دید با یاد شکر نیز خیال مگسی هست

(همان: ۱۴۹)

با صاف دل غبار کدورت چه می‌کند نتوان به گل گرفت رخ آفتاب را

(همان: ۷۸)

۳-۴. تلمیح:

تلمیح مفهوم گسترده‌ای در بر دارد که از آیات و روایات و وقایع تاریخی آغاز شده است و تا فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم ادامه دارد و گویای زندگی پیشینیان در ابعاد مختلف است. کاربرد گسترده تلمیح در شعر مهری بیانگر آگاهی وسیع او از جنبه‌های مختلف دینی، آیات و مطالب تاریخ و احادیث و وقایع است.

مهری با اشاره به داستان‌هایی چون داستان اسکندر، خضر، عیسی، موسی و یوسف، با توجه با پشتوانه تاریخی و اساطیری آن‌ها، مضمون‌آفرینی می‌کند.

مانند خضر بر خورد از نخل زندگی سرو تو را کسی که تواند به سر کشید

(همان: ۲۲۱)

نیست در مصر وفا یوسفی از قحطی حسن که منش جان به بها داده خریدار شوم

(همان: ۲۸۷)

۳-۵. تشخیص:

مهری شاعر سبک هندی است و «از جمله اختصاص‌های این طرز آن است که شاعر به خیال خود تشخیص می‌بخشد و سپس همان عمل‌ها و صفت‌ها و نسبت‌ها را که برای یک جاندار متصور است برای آن شخص خیالی به کار می‌برد» (صفا، ۱۳۷۲: ۵۳۵/۵).

یک‌بار با تو شد به چمن روبرو بهار چندان دلش تپید که رنگ خزان شکست
(مهری عرب، ۱۱۱۵ هـ.ق. : ۱۲۹)
یک ره نظر به زخم دل من فکنده است خون می‌چکد ز چشم تر آسمان هنوز
(همان: ۲۵۷)

۳-۶. مراعات‌النظیر:

مراعات‌النظیر به شکل هنری و به گونه‌ای که با کلمات دیگر ایهام تناسب ایجاد می‌کند در دیوان مهری به کار رفته‌است:

هر دم از دیده‌ما دجله خون است روان پر ز می تا خط بغداد بود ساغر ما
(همان: ۸۳)
دهان تنگ تو را گرچه کرده‌ام تصدیق تصور کمر اما نمی‌توانم کرد
(همان: ۲۱۴)

نتیجه

یا نسخه‌های نفیس دست پیدا کنیم؛ نسخه یا نسخه‌هایی که سال‌ها در انزوایی غریب، چشم به راه پژوهشگری کهنه‌کار یا جوانی باذوق و باحوصله‌اند تا بتوانند با آرایشی نو، در پیش چشم و ذهن دیگران قرار گیرند. به هر حال یکی از ویژگی‌های تصحیح همین است و دلخوشی مصحح نیز همین. دیوان مهری عرب از بی‌شمار نسخه‌های ارزشمندی است که به رغم اهمیت آن تاکنون فرصت خودنمایی نیافته بود.

مهری شاید از شاعران ممتاز دوره صفوی نباشد اما از شاعرانی است که اگرچه در

روزگار ما ناشناخته مانده است، شعرش شایسته توجه و دقت نظر است. عناصر سبک هندی به صورت معتدل در اشعار مهری جلوه‌گر شده‌اند و سخنش زیبا، دلنشین و دل‌انگیز است. وی با اشعار عربی و فارسی طرح شعری را ریخت که مدت‌ها بعد از او شاعران به او اقتفا کردند.

منابع

- ۱- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۸). *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲- ----- (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). *شاعر آینه‌ها*. تهران: آگاه.
- ۴- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: خوارزمی.
- ۵- صبا، محمد مظفر حسین. (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*. تصحیح رکن‌زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.
- ۶- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی. (۱۳۳۳). *کلیات صائب تبریزی*. به اهتمام بیژن ترقی. تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- ۷- موریس، جورج، بالدیک، شفیعی کدکنی، چیپک، ماریک، تاور. (۱۳۸۰). *ادبیات ایران از آغاز تا امروز*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- ۸- مدرس، میرزا محمدعلی. (بی تا). *ریحانه الادب*. تبریز: چاپخانه شفق.
- ۹- مهری عرب، سید علی‌رضا بن سید مساعد جبل عاملی. (۱۱۱۵ هـ ق). *دیوان اشعار*. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. شماره ۳۲۱۷. [نسخه خطی].

- ۱۰- ----- (۱۱۳۵ هـ ق.). دیوان اشعار. کراچی: موزه ملی کراچی. شماره ۳ ق ف ۲۳۸. [نسخه خطی].
- ۱۱- منزوی، احمد. (۱۳۶۹). فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۲- نوشاهی، سیدعارف. (۱۳۶۱). فهرست نسخه‌های خطی موزه ملی پاکستان کراچی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۱۳- نصرآبادی، محمدطاهر. (۱۳۷۸). تذکره نصرآبادی. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- ۱۴- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۳). تذکره ریاض الشعرا. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- ۱۵- هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی خان. (۱۳۷۲). تذکره مخزن الغرائب. تصحیح محمد باقر. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات ایران و پاکستان.
- ۱۶- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۲). مجمع الفصحا. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.